

حاشیه نشینی و چالش های اجتماعی - فرهنگی ناشی از آن با تاکید بر کلانشهرهای

ایران

سعید ملکی

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

داود حاتمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان.

davoud.hatami@yahoo.com

۰۹۱۶۳۹۱۸۱۴۵

چکیده

حاشیه نشین به مفهوم کلی به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. و به ناچار در پیرامون شهر سکنی گزیده است؛ و از این جهت، فشارها و پیامدهای ناخواسته ای را بر مقصد وارد نموده است. روش تحقیق، روش ترکیبی متکی بر روش های تاریخی، توصیفی - تحلیلی است. لذا از متدولوژی اسنادی - کتابخانه ای استفاده شده است. این مقاله ضمن بررسی پدیده ی حاشیه نشینی در ایران، سعی دارد که به دلایل شکل گیری این پدیده و نیز اهمیت آن توجه کند. بنابراین ما در این پژوهش به بررسی مشکلات اجتماعی - فرهنگی ناشی از حاشیه نشینی در کلان شهرهای کشور پرداخته ایم. و راهکارهایی مناسب را جهت حل این معضل ارائه داده ایم.

کلیدواژه ها: حاشیه نشینی، مسائل اجتماعی - فرهنگی، کلان شهرها.

مقدمه و طرح مساله

توسعه شهری سریع یکی از مهمترین مسائل اجتماعی کشورهای در حال توسعه پس از جنگ دوم جهانی بوده است (Zahedand Azargoun, 2008:5). در حال حاضر ۸۰ درصد شهرهای بزرگ جهان در کشورهای در حال توسعه قرار دارند و ۶۰ درصد ساکنین آن ها حاشیه نشین هستند که این حاشیه ها شرایط فقر محیطی، ازدحام جمعیت و بهداشت ضعیف را نمایش می دهند (Turin et al, 2007:228). شکل گیری حاشیه نشینی در ایران (با وجود ویژگی های منحصر به فرد خود و تفاوت هایی که با سایر کشورهای در حال توسعه دارد)، ریشه در توسعه برونزا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد، که آغاز آن به طور تقریبی مقارن است با سال های آغازین ۱۳۰۰، استقرار حکومت رضاخان و آغاز گسترش ارتباط اقتصادی سرمایه داری که موجب ایجاد تحولاتی در شیوه های تولید و به دنبال آن دگرگونی هایی در شبکه شهری و روستاها شده و نهایتاً، موجد کلانشهرهایی چند در کشور، به عنوان محل تمرکز همه فعالیت های صنعتی جدید ایجاد کرد. اوج این حرکت که اتکای سرمایه گذاری های صنعتی بر آن ناشی از فروش نفت بوده است، حدود سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ بوده است (زنگی آبادی و مبارکی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). و نتیجه آن مهاجرت های عظیم روستاییان به شهرها و افزایش شدید جمعیت روستایی در چند شهر بزرگ بوده است که منجر به بروز اشکال آلونک نشین در این شهرها شده است. به طوری که پیامد آن بروز انواع ناهنجاری ها در زمینه شهرنشینی است (شریفی نیا، ۱۳۹۱: ۲). در ارتباط با علل مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، وجود جذابیت شهرها و برخی مشکلات روستائینان باعث تسریع آهنگ مهاجرت می شود، به عبارت دیگر تنها فقدان زمین کافی برای کشت، پائین بودن سطح بهداشت و درمان، عدم درآمد کافی برای تامین نیازهای اولیه زندگی عامل مهاجرت نیست، بلکه نقش جاذبه های مناطق شهری، به ویژه شهرهای بزرگ تر و توسعه یافته نیز بسیار مهم است و این عوامل بر روی هم در مهاجرت روستائیان به مناطق شهری مؤثر بوده اند (پرسا، ۱۹۸۵، ۱۳۷۴، اسدی، ۳۱۱).

اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی موجب می شود تا مهاجران غیر متخصص جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری ولو غیر قانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش های انسانی، کجروی های اجتماعی سریعاً رشد می کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می یابد (همان: ۳). در حال حاضر این مناطق با مسائل متعدد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و ... مواجه است. بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه حاشیه نشینی در مناطق مختلف حاشیه نشین شهرهای بزرگ ایران،

مهمترین ویژگی های آن عبارتند است از ازدحام بیش از حد جمعیت، ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب، عدم رعایت بهداشت جمعی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی و آموزشی، افزایش جرم و جنایت، فساد و... (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۴). که هم اکنون هم شاهد گسترش هر چه بیشتر این مناطق در شهرهای بزرگ کشور هستیم. این مناطق حاشیه نشین اگر چه به لحاظ قانونی جزو محدوده شهری محسوب نمی شوند ولی از نظر اقتصادی به شهر وابسته اند و از جنبه های اجتماعی و فرهنگی بر شهر تاثیر می گذارند (طالشی و امیر فخریان، ۱۳۹۰: ۸۴).

این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با کمک مطالعات اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است. و به بررسی عوامل مؤثر در شکل گیری حاشیه نشینی در کلانشهرهای کشور و مشکلات اجتماعی - فرهنگی ناشی از آن می پردازد.

پیشینه تحقیق

- عیسی ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۸۳)، در مقاله ای تحت عنوان حاشیه نشینی؛ ناهنجاری های شهری و راهکارهای تعدیل آن موردشناسی؛ کریم آباد زاهدان به این نتیجه رسیده اند که شهر زاهدان به عنوان بزرگ ترین شهر در جنوب شرق ایران یکی از بی قاعده ترین روندها در گسترش فیزیکی شهری را طی سه دهه ی گذشته دارا بوده است. کریم آباد در شرق زاهدان یکی از نواحی حاشیه نشین این شهر است که بر اساس نتایج حاصل از نمونه گیری میدانی نگارندگان حدود ۳۵ درصد جمعیت آن را مهاجرین افغانی و ۶۵ درصد آن را نیز مهاجران روستایی که از سایر نواحی استان سیستان و بلوچستان به زاهدان آمده اند، تشکیل می دهد. عمده جمعیت ساکن در کریم آباد (۵۸ درصد) به دلیل پایین بودن سطح سواد و مهارت در بخش غیررسمی اقتصاد، جذب و به شغل های کاذب و انگلی رو آورده اند. نتایج حاصل از این تحقیق ضرورت بهسازی و توانمندسازی محلات حاشیه شهری را نشان داده و به راهکارهای آن خصوصاً در مورد کریم آباد زاهدان پرداخته شده است.

- رسول ربانی و همکاران (۱۳۸۵)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری مساله ی حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز به این نتیجه رسیده اند که مهاجرت از محیط های کوچک روستایی و شهری اطراف به شهر اهواز، مهمترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه نشین می باشد که خود تحت تاثیر دافعه های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شهر بوده است.

همچنین در بحث پیامدهای اجتماعی مشخص شد که بین شدت حاشیه نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه حاشیه نشین شده است.

- رسول ربانی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله ای تحت عنوان تحلیلی بر علل شکل گیری مناطق حاشیه نشین در شهر اصفهان نمونه موردی؛ منطقه ارزنان و دارک به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط مستقیم و معنادار بین متغیرهای عوامل اقتصادی (جاذبه ها و دافعه ها)، امکانات، سهولت تهیه ی مسکن و زمین، قومیت گرایی، نوع قومیت و نوع شغل با حاشیه نشینی و عدم وجود ارتباط بین متغیر عوامل طبیعی آسیب زا با حاشیه نشینی می باشد.

- لطفی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله ای تحت عنوان بحران حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت های جهانی؛ به این نتیجه رسیده‌اند که حاشیه نشینی یک معضل کلان شهری می باشد که نشان دهند ضعف در ساختار اجتماعی و اقتصادی است. بهبود وضعیت حاشیه نشینان بدون توجه و همکاری سازمان های دولتی و عمومی خصوصا شهرداری ها امکان پذیر نخواهد بود.

-زنگی آبادی و مبارکی (۱۳۹۱)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل آباد)؛ به این نتیجه رسیده‌اند که از دلایل بسیار مهم حاشیه نشینی در شهر تبریز می توان به بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط های شهری کوچک و روستاهای استان اشاره کرد، که ناشی از عوامل اقتصادی (جاذبه های اقتصادی شهر تبریز و دافع های اقتصادی شهرها و روستاهای اطراف) و دافعه های اجتماعی - فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است. و این امر موجب بروز انواع ناهنجاری های شهری (اشتغال افراد حاشیه نشین در مشاغل کاذب، وجود ساخت و سازهای غیر مجاز، افزایش جرم و جنایت، اثرات نامطلوب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آلودگی محیط زیست شهری و غیره) شده است.

- قرخلو و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی شاخص های اجتماعی - اقتصادی و تاثیر آن بر کیفیت مسکن محلات حاشیه نشین (مطالعه موردی: محله حاشیه نشین شیخ آباد شهر قم)؛ به این نتیجه رسیده‌اند که مسکن موجود در محله از کیفیت بسیار نامناسبی به جهت ساختارهای ضعیف اجتماعی - فرهنگی به ویژه اقتصادی ساکنین، برخوردار است که در نهایت منجر به نزول سطح زندگی، رفاه و امنیت ساکنین، در محله شیخ آباد شده است.

- اسماعیلی و امید (۱۳۹۱)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی تجربه حاشیه نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان: یک مطالعه پدیدار شناسانه، به این نتیجه رسیده‌اند که اضطراب دائمی به دلیل عدم مالکیت زمین و مسکن و بی اطلاعی از تصمیمات مسئولان درباره ی نحوه ی رفتار با این مناطق و ساکنان آنها همواره حاشیه نشینان را در غذایی دائمی نگه می دارد.

- احدنژاد روشنی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی اشتغال مناطق حاشیه نشینی (مطالعه موردی: شهر زنجان)؛ به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر مهاجران از روستاهای اطراف زنجان می باشند که بیشتر آنها در محلات حاشیه نشین شهر زندگی می کنند و قریب به اکثر آنها دارای شغل های کاذب می باشند.

- احمدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی حاشیه نشینی بر تخریب محیط زیست شهری با استفاده از روش AHP نمونه موردی محله شیرآباد زاهدان؛ به این نتیجه رسیده‌اند که میزان تأثیرگذاری پارامترهای اجتماعی بیشتر از پارامترهای اقتصادی می باشد.

- پناهی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل ساختاری و نهادی موثر در پیدایش حاشیه نشینی (مورد نمونه : شهر تبریز)؛ به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس نتایج بدست آمده علت های حاشیه نشینی را می توان به دو گروه ساختاری و نهادی تقسیم بندی کرد. ساختار سرمایه داری پیرامونی، به حاشیه رانده شدن کشاورزی، ساختار متمرکز دولت، توزیع ناعادلانه ثروت، مدیریت شهری قوانین ومقررات ناکارآمد شهری از جمله علل ساختاری - نهادی هستند که به گسترش حاشیه نشینی دامن زده اند.

- جفایی (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر بجنورد و پیامدهای آن؛ به این نتیجه رسیده‌اند که میان عوامل جاذبه شهر بجنورد بخصوص بعد از مرکز استان شدن و عوامل دافعه محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

- قادرزاده و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان بررسی عوامل موثر در رشد حاشیه نشینی مطالعه موردی شهر بانه؛ به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین دافعه اقتصادی برای مهاجران روستایی و گروه های کم درآمد شهری درآمد کم و بیکاری بوده و مهمترین جاذبه های اقتصادی نیز به ترتیب یافتن شغل مرتبط با مرز و ارزانی زمین بوده است.

- احدنژاد و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان تأثیرات حاشیه نشینی در ناامنی شهرها - مطالعه موردی: شهر کرج؛ به این نتیجه رسیده‌اند که شهرکرج به سبب موقعیت جغرافیایی و همچنین خاصیت مهاجرپذیری بیشتر از سایر شهرها در معرض حاشیه نشینی و خطرات و پیامدهای سوء آن قرار داشته است از این رو ضمن ارزیابی و بررسی راه کارهای کارشناسانه برای کنترل این امر نیاز به ایجاد پایگاه های خدمات اجتماعی نیز محسوس و این امر باید در دستور کار مدیران و مسئولان ذیربط قرار گیرد.

- پوراحمد و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان حاشیه نشینی به عنوان چالشی در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: محله تپه مالان شهر سقز)؛ به این نتیجه رسیده‌اند که از چالش ها و مشکلات حاشیه نشینی در توسعه پایدار شهر سقز می توان به بیکاری، ضعف در بخش مسکن محله، پایین بودن دسترسی به خدمات شهری، ضعف تجهیزات و تاسیسات و پایین بودن سرانه های زمین شهری اشاره کرد. در این ارتباط، راهبرد توسعه پایدار به عنوان عاملی راهگشا در این زمینه کمتر مورد توجه واقع شده است. اولویت دهی سیاست سامان دهی چالش های حاشیه نشینی در محل با تاکید بر راهبرد توسعه پایدار و یکپارچه شهر، مهم ترین و اساسی ترین راهکار اجرایی جهت کاهش و تعدیل معضلات و مشکلات حاشیه نشینی در شهر سقز است.

- کیانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله ای تحت عنوان حاشیه نشینی و چالش های فرهنگی آن در شهرهای بزرگ با تاکید بر شهرهای ایران؛ به این نتیجه رسیده‌اند که عدم مدیریت صحیح زمین شهری و بالا بودن هزینه های زندگی شهری از دلایل مهم به وجود آمدن حاشیه نشینی در شهرها است و به دلیل حاکم بودن فقر بر زندگی حاشیه نشینان باعث بروز انواع چالش های فرهنگی در حاشیه شهرها شده است.

اصول نظری تبیین مفهوم حاشیه نشینی

اولین فردی که اصطلاح حاشیه نشینی و انسان حاشیه نشین را به کار برد رابرت . ای. پارک (R.E.park)، بود. او در مقاله « مهاجرت بشر و انسان حاشیه نشین» این مفهوم را چنین شرح می دهد: انسان حاشیه نشین فردی است که از لحاظ فرهنگی؛ انسانی دو رگه است که صمیمانه در زندگی فرهنگی دو جمعیت متمایز زندگی می کند و با هر دو آنها شریک است، مایل نیست از گذشته خود بگوید و هنوز همه ابعاد جامعه میزبان را نپذیرفته است (Park, 1937:881). به عبارت دیگر حاشیه نشین به کسی گفته می شود که در شهر

سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند، تمام حاشیه نشینان از مهاجران روستایی نیستند بلکه، بخشی از آنها افرادی هستند که از ساکنین همیشگی شهر بوده و به علت فقر اقتصادی در واحد های مسکونی غیر استاندارد زندگی می کند (زنگی آبادی و مبارکی، ۱۳۹۱ : ۶۷).

- اگر بخواهیم تعریفی از حاشیه نشینی ارائه دهیم و افرادی را که در این مناطق اسکان دارند را نیز هدف قرار دهیم باید گفت حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی آن نشده اند. همچنین حاشیه نشین به فردی اطلاق می شود که به دلیل مشکلات معیشتی در نظام شهری تاب مقاومت نیاورده و به حاشیه کلان شهرها پناه آورده است تا از هزینه های زندگی در متن شهر در امان باشد. اما تعاریف دیگری نیز می توان ارائه داد و آن اینکه حاشیه نشینان کسانی هستند که به دلیل بضاعت کم مالی با توجه به توان اقتصادی نتوانسته اند خود را با ساکنین متن حاشیه تطبیق دهند این عدم سازگاری اجتماعی سبب نفی آنها به مناطقی است که بتوانند زمینه جذب آنها را فراهم کند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹ : ۲).

- حاشیه نشینان طبقه ای فقیر، بیکار، سرگردان و آنومیک هستند و از نظر دولت ها یک مسئله اجتماعی می باشند، تجمع آنان با فرهنگ های متعدد در چنین محیط های نامناسب همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال منجر به بزهکاری ها و ایجاد مناطق تبهکاری می شود (لادن و رزقی شیر سوار، ۱۳۸۸ : ۶۷).

از اسکان غیر رسمی و حاشیه نشینی برداشت های متعدد ارائه شده است که هر یک بر ملاک ها و معیارهای خاصی مانند کالبد، جغرافیا، اقتصاد، روابط اجتماعی و ویژگی های روانی تاکید کرده اند. برخی از محققان از منظر بوم شناسی شهری به عواملی مانند نحوه ی استفاده از زمین، کمبود مسکن و قیمت زمین توجه کرده و عده ای دیگر به موضوع از چشم انداز فقر شهری و مسایلی مانند نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و تبعیض نگریسته اند. بر حسب سطوح تحلیل در این زمینه می توان سه دسته دیدگاه را برشمرد که به شرح ذیل می باشند:

۱ - سطح کلان

در این سطح نظریه هایی چون نظام جهانی و وابستگی قرار دارد و به مقوله هایی مانند تأثیر نظام سرمایه داری جهانی در شکل گیری شهرنشینی وابسته و پیدایش اسکان غیررسمی در کشورهای در حال توسعه می پردازد. بر پایه ی این دیدگاه گسترش شهرنشینی در ایران از دهه ی ۱۳۰۰ خورشیدی به بعد عمدتاً ناشی از استقرار مناسبات سرمایه داری پیرامونی در این

کشور و ادغام اقتصاد ایران به عنوان اقتصادی تک محصولی در تقسیم کار بین المللی بوده است. بر این اساس، گسترش شهرنشینی از دهه ی ۱۳۴۰ با افزایش سرمایه گذاری های دولت در شهرها و آغاز بورس بازی زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ، یکی از عمده ترین علل مهاجرت نیروی کار روستایی به شهر را رقم زد و مشکلات شهری - از جمله پیدایش حاشیه نشینی در حومه ی کلان شهرها - را پدید آورد. نخستین علت این پدیده در سطح کلان را باید ساختاری دانست که ساز و کار تبعیض آمیز و فقر را بر پایه ی توزیع غیر عادلانه ی منابع قدرت، ثروت و در آمد رقم زده است. تجلی فضایی این ساز و کار در سطح کشور، عدم تعادل های منطقه ای و در سطح منطقه ای و محلی، رجحان فضاهای برگزیده ای همچون شهرهای بزرگ و محلات ثروتمندان در برابر دیگر نواحی و مراکز زیست و فعالیت است، که به حرکت منطقی جمعیت های مهاجر به سوی کانون های برگزیده می انجامد. از آنجا که این جمعیت عمدتاً پناه جوی اقتصادی، بدون توجه به فعالیت های طبیعی و ظرفیت های انسان ساخت مقصدشان، در پی دسترسی به فرصت های اشتغال و درآمد به این کانون ها سرازیر می شوند، تقاضای ناگهانی و پرشتایی را برای اسکان خود در نواحی محدود به وجود می آورند؛ این تقاضا باعث افزایش قیمت ها، کاهش ذخیره ی مسکن، نارسایی خدمات شهری و اشباع شبکه های زیربنایی می شود. در چنین شرایطی مهاجرین کم درآمد، توان استفاده از بازار رسمی زمین و مسکن را نداشته و با اصرار بر لزوم استقرار خود در همان ناحیه، فضایی ناخوشایند و نامطمئن، لیکن ارزانتر را در بازار غیر رسمی زمین و مسکن ایجاد می کنند (صرافی، ۱۳۸۱: ۶).

۲ - سطح میانی

نظریه های نوسازی را می توان متعلق به سطح میانی دانست. در این نظریه ها به تحولات درونی جامعه بر اثر وقوع پدیده های مدرن مانند توسعه ی صنعتی، افزایش جمعیت و مهاجرت به شهرها، و در نتیجه بروز مشکلاتی مانند کشمکش و ستیز اجتماعی برای آن دسته از مهاجرانی که قادر به تطبیق با هنجارهای زندگی مدرن شهری نبودند، می پردازند. استفاده از مفاهیم سرمایه ی اجتماعی و انزوای اجتماعی برای توصیف وضعیت فقیران شهری که گرفتار چرخه ی فقر شده اند و فاقد سرمایه ی اجتماعی برون گروهی برای برقراری تعامل با دیگر گروه های اجتماعی با وضعیت بهترند؛ در این سطح می گنجد. با شروع توسعه ی برون زای کشور و در جهت همه گیر ساختن الگوی مصرف خاص سرمایه داری غربی، شهر مرکزی در دستور کار قرار گرفته، رابطه ی سنتی سه نظام معیشتی (عشایری، روستایی، شهری) گسیخته

و ایل و روستا به ساختارهای مجزا و در حال فروپاشی بدل شدند، ناتوانی زیرساختی کشور برای جذب غیر متمرکز الگوی مصرف، سبب تمرکز فوق العاده ی شبکه ی شهری در پایتخت و با شدتی به مراتب کمتر، در چند شهر دیگر شده است، تمرکز شدید شبکه ماکروسفال شهری، سبب تشدید مشکلات شهری و از جمله سرپناه و معضل مسکن می گردد و از آنجا که نعم مادی و خدادادی بر اساس قشربندی و سلسله مراتب اجتماعی توزیع می شود و گروهی با نداشتن سرپناه روبرو می شوند. این امر منجر به شکل گیری سکونتگاه های نابسامان و حاشیه نشینی در شهرها می گردد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۶ - ۱۲۵).

۳ - سطح خرد

این سطح با نظریه های فرهنگ گرا که مشخصه ی آن توجه به ویژگی های فرهنگی و روانی ساکنان غیررسمی (حاشیه نشینان) است و با استفاده از مفاهیمی چون انسان حاشیه ای و فرهنگ فقر، شروع می شود. مفهوم انسان حاشیه ای، اشاره به انسانی دارد که به دلایلی جذب جامعه نشده و نسبت به آن غریبه مانده است. این مفهوم را نویسندگانی مانند پارک و توماس و زنانیکی برای توصیف مهاجران بیگانه ی ساکن در شهر با داشتن ویژگی هایی چون روحیه ی ستیزه جو، بی سازمانی خانواده و نابسامانی های عاطفی به کار برده اند. (پیشین، ۱۲۶).

علل و عوامل بروز اسکان های غیر رسمی در جهان سوم

- عوامل ساختاری جامعه

در این رویکرد بحث ایجاد اسکان های نابسامان شهری، در درون جریان تولید فقر و ساختار ناکارآمد حاکم بر جامعه تحلیل می شود.

- علل سازمانی

در کنار دیدگاه ساختاری برخی از صاحب نظران فقدان نظام یکپارچه مدیریت توسعه شهری و ناکارآمد بودن سیستم اداری جامعه را مولد اصلی بروز این اسکان ها تلقی می کنند.

- فقدان سیستم های حمایتی و مشارکتی

برخی دیگر علت اصلی پیدایش اسکان های نابسامان شهری را ناکارآمدی نظام های حمایتی و ناتوانی در بکارگیری توانمندی های محلی تصور می کنند و آن را عامل مهمی در ایجاد تشدید این گرایش نامطلوب شهری می دانند.

- فعالیت های باندهای (مافیایی)، نا مشروع زمین

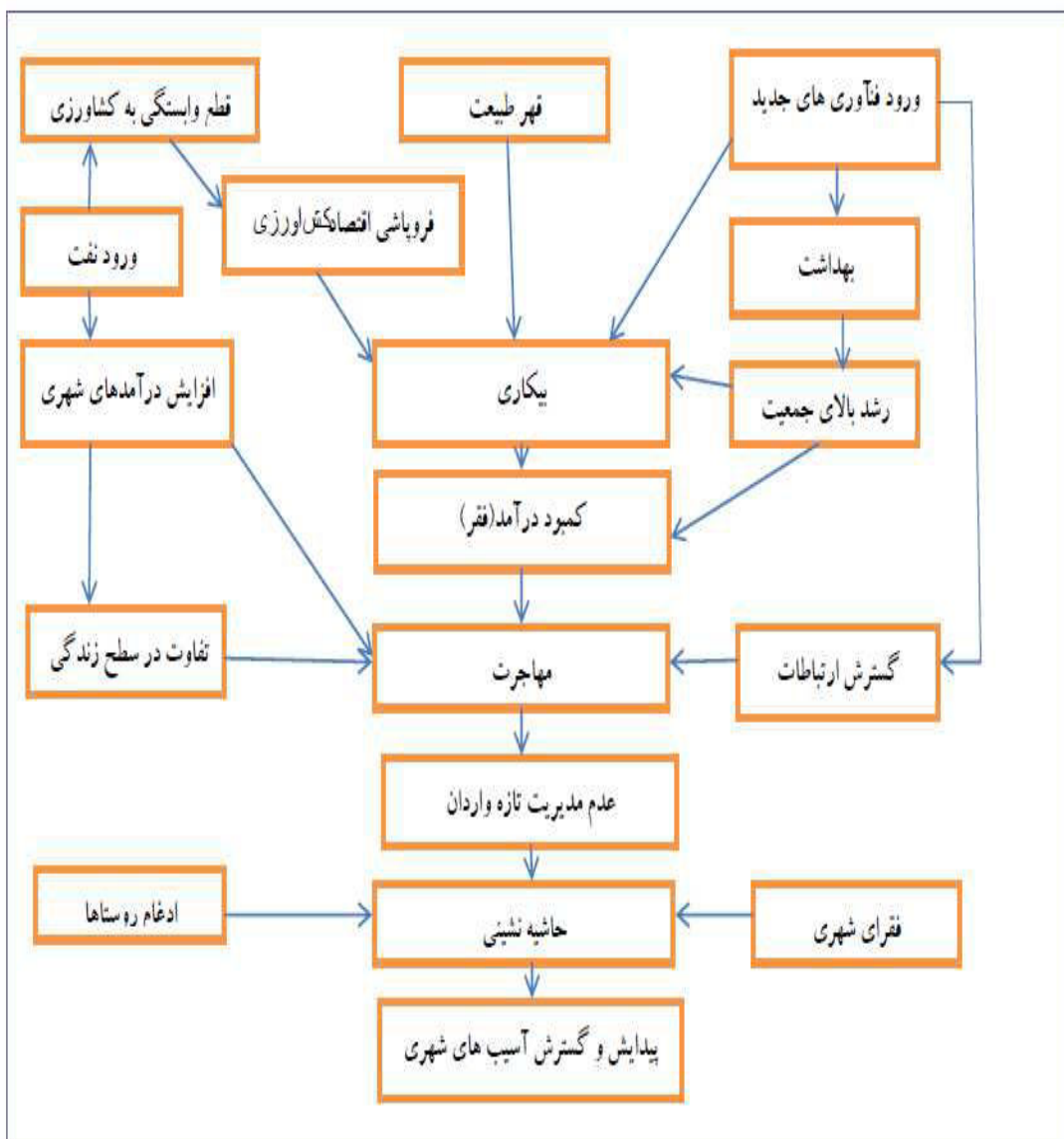
عدم کنترل و نظارت بر مصرف درست زمین، که عامل کمیابی در نواحی شهری محسوب می گردد، به عنوان عاملی در ایجاد و گسترش اسکان های غیر رسمی تلقی می شود.

- ناکارآمدی سیاست های تامین مسکن

در جهت برخورد با معضل رشد سریع اسکان های نابسامان و غیر رسمی شهری، توسط دولت ها سیاست های متفاوتی در دستور کار قرار گرفته است که از بدبینانه ترین حالت که عموماً توسل به قوه ی قهریه و تخریب این مناطق است، شروع و تا انجام اقدامات اصلاح طلبانه (مدارا جویانه)، ادامه پیدا می کند (کیانی و همکاران، بی تا: ۴).

- عللی که در سطح خرد زمینه ساز پیدایش و شکل گیری حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی می شود عبارتند از:

- ۱- ضعف برنامه های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه کم درآمدها در توزیع جغرافیایی مناسب.
- ۲- عدم پیش بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقشار کم درآمد در طرح های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان
- ۳- دسترسی ناپذیر به نظام های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها، به ویژه شاغلین در بخش غیر رسمی
- ۴- وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین باز به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت و سازها، به ویژه در فضای بینابینی شهرها.
- ۵- فقدان نهادسازی برای تجهیز و تجمیع منابع اقشار کم درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه سازی خودیار (صرافی، ۱۳۸۱: ۷).
- ۶- وضعیت جغرافیایی و اجتماعی محلات حاشیه نشین



مدل نظری پژوهش (یغفوری و همکاران، ۱۳۹۳).

- ویژگی های رایج و بارز مناطق حاشیه نشین و انسان حاشیه نشین:

- ۱- حاشیه نشینی ناشی از فقر است.
- ۲- حاشیه نشینی ناشی از تشدید نرخ مهاجرت های روستایی - شهری است.
- ۳- در مناطق حاشیه نشینی، اشتغال غیر رسمی، غیر مولد و انگلی وجود دارد.
- ۴- در مناطق حاشیه نشینی فرهنگ فقر وجود دارد.
- ۵- در مناطق حاشیه نشینی تقدیرگرایی (Fatalism) حاکم است.

- ۶- حاشیه نشینان سواد پائینی دارند.
- ۷- حاشیه نشینان درآمد پائینی دارند.
- ۸- نرخ بیکاری در مناطق حاشیه نشینی بسیار بالاست.
- ۹- حاشیه نشینان در سکونتگاه های غیر متعارف و غیراستاندارد زندگی می کنند.
- ۱۰- تراکم جمعیت در مناطق حاشیه نشین بسیار بالاست.
- ۱۱- میزان کار کودکان در مناطق حاشیه نشین بسیار بالاست.
- ۱۲- میزان انحراف و جرم در مناطق حاشیه نشین بسیار زیاد است.
- ۱۳- از نظر اجتماعی و فرهنگی، بافتی جدا از بافت جامعه شهری دارند. (محسنی، ۱۳۸۷).

- ویژگی های همه زاغه ها و حاشیه نشینان از نظر دکتر حسین شکوئی

- ۱- واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص
- ۲- تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم
- ۳- فقر اقتصادی مردم
- ۴- گوشه گیری مردم از همه ی جریانات شهری
- ۵- ایجاد مرز پر دوام در اطراف محله و جدایی گزینی مردم از سایر طبقات شهری
- ۶- عدم توجه و بی اعتنایی سازمان های مسئول به احتیاجات محله (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۸۱ : ۱۲۴).

- حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی در ایران

اسکان غیر رسمی (حاشیه نشینی) در ایران در سه دهه گذشته رو به گسترش بوده به طوری که در شهرهای بزرگ ایران ۲۰ الی ۳۰ درصد ساکنان منطقه شهری را تشکیل داده است و این امر به شهرهای کوچک تر نیز در حال تسری است و این در حالی است که ۸۰ تا ۹۰ درصد آنچه به صورت غیر رسمی در ایران ساخته می شود، در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه ی جهان سوم، نزدیک یا بیشتر از ساخت و سازهای رسمی آن هاست. در حال حاضر یک هشتم جمعیت شهری (۸ میلیون نفر)، در حاشیه شهرهای بزرگ زندگی می کنند که سه چهارم این جمعیت در ۱۰ شهر بزرگ کشور قرار دارند. چشم انداز پیش روی کشور از دو برابر شدن این تعداد در ۱۰ سال آینده خبر می دهد. مطابق آمار ارائه شده از وزارت بهداشت در کشور ما ۷ میلیون حاشیه نشین وجود دارد که این تعداد در ۷۰ شهر و ۱۶ استان در حال زندگی هستند.

این وضعیت در ۱۰ کلان شهر بزرگ و شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و اهواز به شکل بیشتری نمایان است (پیشین: ۶). حاشیه نشینی در شهرهای ایران به صورت شهرک نشینی در حومه شهرها و هم چنین آلونک نشینی دیده می شود. شهرک های حاشیه نشین در اصل روستا شهری یا شهرک های روستا گونه درون شهر هستند. از نمونه شهرک های فقیر حاشیه نشینان در شهرهای ایران می توان به این شهرک ها اشاره کرد:

- تهران: شهرک های متعدد در منطقه ۱۶ شهر تهران

- کرج: زور آباد (اسلام آباد)

- تبریز: آخماقیه، حافظ، خلیل آباد، داداش آباد، سیلاب، طالقانی، عباسی، کشتارگاه، لاله، مارالان، منبع و یوسف آباد

- مشهد: خواجه ربیع

- اردبیل: ابراهیم آباد لطفی و همکاران، ۱۳۸۹ : ۱۳۶ - ۱۴۵).

- زاهدان: شیرآباد، کریم آباد، بابائیان، پشت کارخانه نمک (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳ : ۱۲۸).

- همدان: خضر، طالقانی، کشتارگاه، حصار، شاه پسند، سنگ سفید، نایب احمد، مجیدیه و دیزج (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹ : ۱۳۶ - ۱۴۵).

- اهواز: شلنگ آباد، سیاحیه، حصیر آباد، منبع آب (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵ : ۱۰۱).

- اصفهان، ارزنان، دارک (ربانی و وارثی، ۱۳۸۸ : ۱۰۳).

- آزادشهر: غلام تپه (شریفی نیا، ۱۳۹۱ : ۳).

پيامد و تبعات منفی سکونتگاه های غیررسمی و حاشیه نشینی عبارتند از :

۱- حاشیه نشینی، چالشی فراروی توسعه پایدار شهری

یکی از آثار و پیامدهای توسعه فیزیکی ناموزون و نامتعادل شهری حاشیه نشینی در شکل غیرقانونی است. اسکان غیر قانونی به سبب گسترش فقر و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه های سنگین برای حل مشکلات تصویری جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده است. نه تنها هیچ کدام از رهیافتهای توسعه پایدار و استراتژی توسعه شهری را در وضعیت حاشیه نشینی نمی-بینیم، بلکه حاشیه نشینی باعث افزایش میزان جرم و آسیبهای شهری می گردد.

۲- حاشیه نشینی و افزایش جرم

در محلات حاشیه نشین همان قدر که امکان ارتکاب جرم و جنایت در آن زیاد است، به همان اندازه رقم سیاه بزهکاری (Dark Number) در آن موجود است.

- چالش های اجتماعی و فرهنگی حاشیه نشینان در کلان شهرهای کشور

- کودکان و حاشیه نشینی

اولین و بیشترین قربانیان این زندگی حاشیه نشینی کودکان حاشیه نشین می باشند که از سوء تغذیه رنج می برند ولذتی از زندگی و دنیای کودکانه خود نمی برند. این کودکان بدلیل وارد شدن به بازار کار و عدم دسترسی به مدارس و عدم توانایی مالی از تحصیل محروم شده و یا درصد ناچیزی از آنان به مقطع ابتدایی و یا راهنمایی و یا دبیرستان راه می یابند. بنابراین اشتغال به کار عامل بازدارنده ای در ادامه تحصیل و آموزش های مدرسه ای در کودکان شاغل این مناطق به شمار می رود (آرمان، ۱۳۸۸: ۱).

- وضعیت اشتغال در جوامع حاشیه نشین

افراد حاشیه نشین همان طور که در حاشیه اقتصاد کشور قرار گرفته و جذب نظام اقتصادی نشده اند، دارای شغل های اکثرا حاشیه ای و کاذب نیز هستند (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۸۱: ۱۳۲). به طور کلی در میان جوامع حاشیه نشین کم کاری و بیکاری پنهان رواج دارد که علت آن در کشورهای توسعه نیافته می تواند رشد ناهمگون یا ناهماهنگ بخش سوم اقتصاد و کاهش یافتن رشد و توسعه در بخش کشاورزی و صنعتی باشد که در نهایت به مهاجرت روستائیان به شهرها برای یافتن کاری مناسب می انجامد و البته عوامل فرهنگی- اجتماعی و زرق و برق چشم نواز شهری در این امر بی تاثیر نیست. اما به علت رشد بی رویه جمعیت شهری و عدم تولید مشاغل مولد معمولا در این جهت نیز به در بسته می خورند، به عبارتی نه راه پس دارند و نه راه پیش و مجبور به انجام دادن مشاغلی چون کارگری ساختمان هستند.. با توجه به رشد ناموزون بخش سوم اقتصاد و توسعه مشاغل خدماتی مانند کارگری ساختمان یا مشاغل کاذب مانند دست فروشی، دوره گردی یا سیگار فروشی یا مشاغل انحرافی چون توزیع و قاچاق مواد مخدر یا سایر مشاغل انحرافی دیگر، در نهایت درصد کمی از این افراد به مشاغل مفید دست می یابند.

- مسئله مسکن

رشد روز افزون شهر نشینی، مسائل و مشکلات جدید و خاصی را در زندگی و در روابط انسان ها به وجود آورده است. یکی از عمده ترین این مشکلات مسکن می باشد (طالقانی، ۱۳۶۹: ۱). سیمای مسکن و تجهیزاتی که مراتب رفاه و آسایش ساکنانش را فراهم می کند ناشی از وضع اقتصادی صاحبان آنها می باشد. به همین دلیل نامتعارف ترین و غیر استاندارد ترین خانه ها در مناطق شهری متعلق به حاشیه نشین ها است (نقدی، ۱۳۸۵: ۲۲۲). اگر مسکن را حداقل سرپناه با کمترین تأسیسات و تجهیزات ممکن تصور کنیم، بسیاری از حاشیه نشینان فاقد آن هستند. مسکن حاشیه نشینان در شهرها و مناطق مختلف به صورت اتاق های حلبی، کپر، چادر، کوره های متروک، گرگین (همان دیوار با مصالح ساختمانی و سقف با حصیر و برگ درخت) یا اتاق های خواب با مصالح اولیه نامتعارف و به نحوی ناپایدار و نامقاوم ساخته شده اند. از نظر فرم و نوع و شکل این مراکز باید گفت که تلفیقی از مسکن شهری و روستایی یا محلی هستند (دهاقانی، ۱۳۸۱: ۱۲۷). عدم نظارت شهرداری در امر ساخت و ساز واحدهای مسکونی و عدم جلوگیری از احداث واحدهای مسکونی غیر قانونی و بدون پروانه ی ساختمان، موجب شده است که نه تنها سازندگان آنها اصول و قوانین احداث بنا را رعایت نکنند، بلکه از مصالح زاید و غیر مستحکم و نخاله های ساختمانی در ساخت واحدهای مسکونی استفاده کنند؛ در نتیجه ساختمان ها از کوچکترین استحکام و مقاومتی برخوردار نبوده و با وقوع کوچکترین حادثه ای طبیعی از قبیل زلزله و سیل و غیره ویران می شوند. در اغلب آنها بیش از یک خانوار زندگی می کنند. این امر نشانگر فقر شدید اقتصادی و فرهنگی از یک سو و پابندی به آداب و رسوم سنتی و قبیله ای ساکنان این مناطق از سوی دیگر است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

- مسئله اقتصادی

به طور کلی، شهر مکان برخوردارانی و فقر است. در شرایط فقر؛ (فقر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) ویژگی های غیرکارکردی شهر و جمعیت آن بروز پیدا می کند. فقر یک بیماری شهری است و مانعی در برابر توسعه ی شهری به شمار می رود (ربانی، ۱۳۸۱: ۱۶۳). معمولاً قشر بیکاران در کشورهای در حال توسعه قشر فقرا، هم هست. به یک معنا قبل از هر قشر دیگر این قشر فقراست که قشر بیکاران را تشکیل می دهند. روابط بسیاری میان سطوح اشتغال و توزیع درآمد، وجود دارد، سیاست اشتغال تام، نخستین و موثرترین جزء برنامه ی امحای فقر مفرط است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۲). اکثر خانواده های حاشیه نشینی

شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه گذاری می باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه روی می آورند. ساختار شغلی مردان در مناطق حاشیه نشین کارگری، مشاغل آزاد، رانندگی، مغازه داری، دست فروشی، کوپن فروشی، سیگار فروشی، دستفروشی و دلالی بر سر چهار راهها. بطور کلی اشتغال غیر قانونی کاذب ناسالم سیاه و زیرزمینی در میان ساکنان حاشیه نشین غلبه دارد. معمولاً حاشیه نشینی در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنی اشتغال در بخش غیر رسمی و عدم جذب در نظام اقتصاد شهری را بدنبال دارد (نقدی، ۱۳۸۵: ۲۲۳). در مناطق مسکونی غیررسمی که محل زندگی فقیران شهری است، کالاها و محصولات که در بازارهای رسمی مشتری نمی یابند، مانند مواد غذایی فاسد و مسأله دار با قیمت ارزان در دسترس فقیران شهری قرار می گیرد. این مسأله تأییدکننده ی نظر هربرت گانز درباره ی یکی از کارکردهای فقر است، فقیران کالاهایی خریداری می کنند که دیگران تمایل چندانی به خرید آنها ندارند؛ از این دست اند سبزیجات و میوه های نامرغوب که در غیر این صورت باید بیرون ریخته شوند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱: ۴۷).

- ساختار جمعیتی مناطق حاشیه نشین

مناطق حاشیه نشین دارای بعد خانوار، تراکم و درصد رشد بالایی نسبت به سایر مناطق شهری بوده و افراد زیادی متشکل از پدر، مادر، فرزندان و گاه بستگان نزدیک، در فضایی محدود و زیر یک سقف زندگی می کنند. طبق یک نمونه بررسی شده در ایران ۶۳ درصد از این خانوارها در یک اتاق با زیربنای ۵ / ۲ مترمربع زندگی می کنند. در حالی که طبق میانگین استاندارد، اتاق باید با زیربنای ۵ / ۱۸، مترمربع ساخته شود. ترکیب جمعیتی اجتماعات اکثراً از گروه های سنی نوجوان و جوان تشکیل شده است. ازدواج آنان نیز در سنین پائین و غالب به صورت درون همسری بوده و جدایی در بین آنان به ندرت دیده می شود (مشهدیزاده دهقانی، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

- بافت چند قومیتی

مناطق حاشیه نشین دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می باشد و همین وضع موجب تنش ها و تعارض ها و حتی نزاع های پراکنده قومی در این مناطق شده است (نقدی، ۱۳۸۵: ۲۲۱).

- بهداشت

شرایط بهداشتی به شدت تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی منطقه قرار دارد. حاشیه نشین ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله ها و عدم جمع آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است. حاشیه نشینانی که امروزه در اطراف شهرها ساکن هستند فاقد خدماتی از قبیل آب، برق، شبکه فاضلاب و خدمات آموزشی هستند. حتی اگر هم از این امکانات برخوردار باشند به دلیل نبود شغل مناسب و درآمد کافی نمی توانند آنچنان که باید و شاید از آن استفاده نمایند. ۳.۱ میلیارد نفر در دنیا دسترسی به آب سالم ندارند و با درآمد کمتر از یک دلار زندگی می کنند (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲، ۱۳-۱۴). بیماریهای پوستی، روده ای و گوارشی از شایع ترین بیمارها در این محدوده هاست. کودکان دچار فقر تغذیه و مادران نیز با کمترین امکانات بهداشتی و مراقبت های آن آشنا می شوند (کاکوئی، ۱۳۸۲: ۷۷). در زمستان کوچه ها پر از گل و لجن بوده و آب خیابان ها و کوچه ها به این مناطق سرازیر می شود. خانه ها فاقد سیستم فاضلاب بوده و پایین بودن سطح فرهنگ و سواد امکان استفاده از روش های صحیح بهداشتی را به آنان نمی دهد (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

- وضعیت و کیفیت آموزش

اکثر افرادی را که در این منطق ساکن هستند بی سواد یا دارای مدرک تحصیلی ابتدایی هستند. بچه های این خانواده ها نیز بخاطر اینکه بزرگ خانواده فاقد کار می باشد دست از تحصیل کشیده و دنبال کار برای کمک به بزرگ خانواده (پدر) هستند. بعضی از افراد که توانایی ادامه تحصیل دارند فقط به خاطر اینکه شنیده اند فلانی درس خوانده و بی کار است از ادامه تحصیل مأیوس شده و درس را بی فایده می داند. دختران هم به علت اعتقادات خرافی و بعضاً قومی به سراغ درس و مدرسه نمی روند و اگر هم به مدرسه روند در همان دوران ابتدایی ترک تحصیل می کنند. علاوه بر این دوری راه و نبودن امکانات آموزشی نیز مسئله دیگری است که سبب کاهش تعداد مدرسه روها می شود. کمبود فضای آموزشی و کمبود کادر مجرب و تحصیل کرده نیز از مسائل بازدارنده در بالاربان سطح کیفی و کمی سواد و آموزش ساکنین این مناطق است (پیش، ۱۳۲).

- نارضایتی اجتماعی

در مناطق حاشیه ای، فاصله ی سطح انتظارات و سطح زندگی واقعی، فوق العاده بالاست و این شکاف، به سرخوردگی، یأس و اضطراب ساکنان دامن زده است، سطح توقعات اغلب آنها از حکومت مرکزی زیاد است و حکومت را مسؤل ارایه ی تمامی خدمات شهری و رفع بسیاری دیگر از نیاز های خود می دانند ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۳ : ۱۳۱). میزان رضایت از خدمات رسانی شهرداری در این محله ها بسیار پائین است. اصولاً محله های حاشیه نشین بطور خودرو در زمین های بدون برنامه شکل می گیرد لذا فاقد تاسیسات زیر بنایی بوده و مسئولان شهر خود را موظف به تامین تاسیسات آن نمی دانند و حتی در صورت تمایل مسئولان، تامین تاسیسات زیر بنایی این مناطق به علت پراکندگی و دور بودن از بافت اصلی بسیار گران و مشکل است. از طرفی چون محلات حاشیه نشین خود را جزئی از شهر می دانند لذا از کمبود خدمات رسانی به این محلات احساس نارضایتی دارند (نقدی، ۱۳۸۵ : ۲۲۵).

- آسیب های اجتماعی و امنیت اجتماعی

حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق، همه باعث می شود مجرمان به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد، این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه، روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دستفروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میداين تره بار و ... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت های شهری در می آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشته اند. از جمله دیگر جرائم مطرح که در حاشیه نشین ها وجود دارد بروز بیماری های تناسلی و ایدز، می باشد. احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه نابهنجاری ها و رفتارهای اخلال گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی گری و سرقت، گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی هستند به نوبه خود زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می نمایند. همان طوری که اگر پنجره ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به زودی کل ساختمان منهدم خواهد شد.

برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکنی برخورد مناسب صورت پذیرد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده است. این که جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد ، مورد پذیرش همه است حاشیه نشینی، نوعی سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر اقامت دارند و از حداقل امکانات و خدمات بی بهره اند البته باید گفت قید مجاور شهر در مواردی نقض می شود، به این دلیل که شهرک های اقماری در نواحی مجاور شهر به تدریج باعث می شود تا حاشیه نشین ها بین نواحی شهری جای گیرند . به این ترتیب آن چه باقی می ماند فقدان برخورداری از حداقل امکانات و خدمات شهری برای ساکنان این مناطق است. این امر باعث می شود برخی مناطق درون محدوده جغرافیایی شهر جزئی از حاشیه نشین ها تلقی شود. می توان گفت حاشیه نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان تخصص و نبود بنیان های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف شهری ، در حاشیه واقع شده است.

– اعتیاد

توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. به دلیل فقر علمی و آگاهی ساکنان این مناطق و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می دهند و از این راه به کسب سود نائل می آیند. از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می توان نام برد. معمولاً در مناطق حاشیه نشین بسیاری از این عوامل، قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می یابد(خانباشی، بی تا : ۳).

نتیجه گیری

حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی پدیده ای است، که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسایل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت های روستایی پدیدار گردیده است. رشد سریع جمعیت، عدم توان دولت ها برای فراهم آوردن تسهیلات شهری کافی برای این جمعیت و برآورده نشدن نیاز مسکن برای قشر کم درآمد در فضای برنامه ریزی شده شهر؛ حاشیه نشینی را به گونه ای بی سابقه در همه شهرهای بزرگ دنیا افزایش داده است. پیامد گسترش شهرنشینی سریع در ایران پیدایش شهرهای بزرگ و ایجاد محله های حاشیه نشین با بافت نابسامان و مسکن ناهنجار است که ساکنان آن معمولاً مهاجران روستایی یا قشرهای کم درآمد شهری هستند که به مشاغل کاذب و حاشیه می پردازند. حاشیه نشینان مسائل شهری متعددی چون کمبود تأسیسات زیر بنایی مانند: شبکه های ارتباطی مناسب، منابع آب سالم و تصفیه شده، سیستم تخلیه ای فاضلاب شهری، مراکز بهداشتی، مراکز آموزشی و ... از یکسو و وجود مشاغل غیر رسمی، شیوع بیماری ها، جرم و جنایت و جدایی گزینی از شرایط متعارف شهری، از بارزترین ویژگی های مناطق حاشیه نشین است که با سیمایی نامتعارف و ناهنجار به شکل جزیره های فقر در شهرها نمایان شده اند. حاشیه نشینان از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پائینی برخوردارند و از خدمات ارائه شده در این محلات به هیچ وجه راضی نیستند با توجه به گسترش فقر و بیکاری حاشیه نشینان بیشتر در معرض آسیب های اجتماعی و فرهنگی اند، آنان مسائل و مشکلات زیادی دارند که لازم است مسئولان در رفع و حل این مشکلات اقدامات جدی نمایند و به خواسته ها و نیازهای ساکنان این مناطق، به عنوان شهروند توجه نمایند زیرا فقر فرهنگی و مشکلات مالی ساکنان این مناطق و در حاشیه بودن آنها از یک سو و دیدن زندگی شهرنشینی که از امکانات زندگی امروزی بهره مند هستند باعث تحریک آنان و دست زدن به کارهایی که مشکلات موجود را دوچندان می کند.

پیشنهادها

باید گفت در جهان راه حل واحدی در مورد کاهش فقر شهری و حاشیه نشینی وجود ندارد. اقداماتی که در این زمینه در جوامع مختلف صورت می گیرد به شرایط خاص آن جامعه بستگی خواهد داشت؛ که با جوامع دیگر متفاوت خواهد بود. لذا با توجه به نتایج بدست آمده برخی از مهمترین راهکارها جهت کاهش حاشیه نشینی در کلانشهرهای کشور و کاهش مشلات ناشی از آن در دو سطح یا دو مرحله به شرح زیر ارائه می گردد. برای حل معضل حاشیه نشینی به دو مرحله اقدام لازم است، مرحله اول مجموعه راهکارهایی هست که باعث می شود که روستانشینان و ساکنین شهرهای کوچک به کلانشهرها مهاجرت نکنند و حاشیه نشینی شکل نگیرد و یا گسترش نیابد و مرحله دوم مجموعه اقداماتی است که وقتی حاشیه نشینی شکل گرفته است با این راهکارها می توانیم این مناطق را سازماندهی کنیم و مشکلات آن ها را حل نماییم. در این پژوهش پیشنهادهای شماره ۱ تا شماره ۱۶ مربوط به مرحله یا سطح اول و پیشنهادهای شماره ۱۷ تا برای مرحله دوم ذکر شده اند.

۱- کاهش و تعدیل مهاجرت های روستایی به کلان شهرها، یکی از مهمترین علل پیدایش و گسترش حاشیه نشینی، مهاجرت بی رویه ی روستاییان به شهرها می باشد، بنابراین باید مسیر مهاجرت از روستا به شهر روند طبیعی به خود بگیرد و ریشه ی فقر و استضعاف را از درون و از روستاها خشکاند. این امر از طریق جلوگیری از نوسان شدید قیمت محصولات کشاورزی در مدت زمانی کوتاه همچنين برنامه ریزی جهت کم کردن هر چه بیشتر فاصله ی تولیدکننده و مصرف کننده و حذف دلالان و واسطه ها تا حد امکان، می باشد به طوری که در حال حاضر، عمده ی سود حاصل از تولید محصولات کشاورزی، عاید واسطه ها می شود. این عامل می تواند نقش مهمی در کاهش مهاجرت های روستایی ایفا نماید. درعین حال اعطای اعتبارات و تسهیلات بانکی در جهت تولید هر چه بیشتر محصولات کشاورزی و دامی و در حد نیاز کشاورزان، در تثبیت کارکردهای روستایی و جلوگیری از مهاجرت مؤثر خواهد بود.

۲- ایجاد تعادل و توازن در توسعه شهری و روستایی، شناخت امکانات بالقوه روستا و اهمیت دادن به آنها، فراهم آوردن امکان رشد تحصیلی در روستا، ارزش دادن به فعالیت های کشاورزی و حمایت نظام حاکم از روستا رسیدگی و گسترش عدالت اجتماعی به روستاها و شهرهای کوچک و ایجاد تعادل در نقاط مختلف از نظر فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی.

۳- کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت و کنترل موالید، برای حل معضلات محیطی و شهری می باید، به جای مقابله با معلول، به یافتن و خشکانیدن ریشه ها پرداخت. بنابراین برای کاهش

میزان حاشیه نشینی به خصوص در کلان شهرها، در درازمدت می باید از برنامه ریزی ها و توصیه های جمعیتی استفاده کرد و با کنترل موالید و پایین آوردن تعداد متوسط افراد خانواده ها از بسیاری از مشکلات و نابهنجاری های آتی شهر و مناطق حاشیه نشین، پیشگیری به عمل آورد.

۴- تقویت شهرهای میانی و کوچک کشور و تخصیص بودجه های عمرانی بیشتر به آنها، زیرا این امر موجب جذب تعداد زیادی از مهاجرین روستایی به آنها خواهد شد. به این ترتیب از تشدید مشکلات کلان شهرها از جمله مشکل حاشیه نشینی در آن به میزان زیادی خواهد کاست.

۵ - ایجاد اشتغال از طریق اجرای طرح آمایش سرزمین در کل کشور.

۶ - کاهش تجمع صنعت و تجارت و یا گسترش صنعت در بخش های مختلف جغرافیایی.

۷- حمایت بیش از پیش دولت از بخش کشاورزی و کشاورزان و دامداران.

۸ - تلاش دولت در جهت بهبود درآمد اقشار مختلف جامعه و توزیع عادلانه ثروت.

۹- توزیع منابع و امکانات مادی به صورت عادلانه در تمام سطح کشور و مناطق روستایی و شهری.

۱۰- شبکه ارتباط منظم بین شهر و روستا.

۱۱- تاسیس کارخانجات در مناطق روستایی و سایر مناطق مهاجر فرست.

۱۲- برخورداری از بیمه های بیکاری برای شاغلانی که کار خود را از دست داده اند.

۱۳- پشتیبانی کردن از محصولات تهیه شده کشاورزان.

۱۴- توجه کردن به بخش کشاورزی در کنار صنعت نفت.

۱۵- از میان برداشتن نابرابری میان توسعه در شهر و روستا و فقیر و غنی.

۱۶ - تامین در آمد روستائیان و حمایت از آنها در هنگام بیکاری فصلی و تضمین محصولات کشاورزی و دامی.

۱۷- بهسازی و سامان دهی مناطق فقیرنشین موجود و ارائه خدمات اولیه ی شهر از قبیل آب، برق و سایر تسهیلات زیر بنایی؛ برای کسب موفقیت در این زمینه ابتدا لازم است که این مناطق اولویت بندی شوند. برای این کار باید اطلاعات کامل و جامعی از وضعیت اقتصادی- اجتماعی، زیست محیطی و خصوصیات فیزیکی، و بهداشتی ساکنین این نواحی جمع آوری شود.

۱۸- محیط اجرایی و سیاسی یک جامعه نیز می تواند موثر باشد. با تأکید بیشتر بر اجرای طرح های مشارکتی می توان تا حدی این معضل را حل نمود. استفاده از توانایی ها و قابلیت های

محلی در جهت ایجاد امنیت، آرامش و فراهم نمودن امکانات مادی و رفاهی مسلمانان مشارکت اجتماعی ساکنین و شرکت گسترده خود مردم در روند توسعه نقش را ایفا می کند.

۱۹- تشویق بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در زمینه مسکن سازی به منظور حل مشکل اقتصادی اقشار فقیر و حمایت نظام سیاسی حاکم از این سرمایه گذاری نیز می تواند موثر باشد.

۲۰- بهترین راه حل برای ایجاد فرآیند جدید توسعه در اجتماعات حاشیه نشین، ساماندهی و بهسازی کالبدی به همراه توانمندی سازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و عامل اصلی و مهم برای ساماندهی و توانمندی سازی حاشیه نشینی، ایجاد مدیریت یکپارچه در سطوح ملی، منطقه ای و محلی است؛ این امر نه تنها می تواند باعث پیش بینی نحوه حرکت مهاجران و کنترل عوامل تاثیرگذار بر آن ها شود؛ بلکه با ایجاد دیدی گسترده و همه سونگر کمک زیادی به ساماندهی و توانمندی سازی بافت های نابهنجار موجود در شهرها خواهد کرد.

۲۱- نظارت بیشتر شهرداری ها بر امر ساخت و سازهای مسکونی مناطق حاشیه نشین و جلوگیری از ساخت و سازهای بدون پروانه و همچنین ساخت و سازهایی که قوانین و ضوابط ساختمان سازی و شهرسازی در آنها رعایت نمی شود. در عین حال جلوگیری از احداث واحدهای مسکونی در زمین های دولتی که به کاربری های شهری اختصاص داده شده اند؛ از طرف دیگر شهرداری باید به امر نظافت و جمع آوری به موقع زباله ها در مناطق حاشیه نشین بیشتر توجه نماید.

۲۲- بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود در نواحی حاشیه ی شهری، از طریق آموزش های رسمی و فنی و حرفه ای و بالا بردن سطح تحصیلات و مهارت جوانان از راه تشویق آنان به فراگیری علم و دانش، تخصص و مهارت، به منظور جذب در اقتصاد بخش رسمی و کاهش اشتغال در بخش غیررسمی در آینده ی این سکونتگاه ها.

۲۳- بهسازی و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی در زاغه ها و مناطق حاشیه نشین؛ این بهبودی و ساماندهی شامل ایجاد زیرساخت های مناسب مانند شبکه های ارتباطی، سیستم تخلیه فاضلاب و حداقل ملزم کردن حاشیه نشینان به حفر چاه فاضلاب خواهد بود.

۲۴- بهبود سرانه کاربری های شهری در مناطق حاشیه نشین؛ گرچه تعیین سرانه های شهری در یک منطقه ی حاشیه نشین، نابسامان و پرتراکم از نظر جمعیت، با بافتی آشفته و نامنظم و فاقد تأسیسات و تجهیزات شهری متناسب با تعداد جمعیت ساکن در آن بسیار مشکل می باشد، لیکن با توجه به تراکم بالای جمعیت در این مناطق و کمبود زمین و فضای باز در این مناطق از یک طرف و کمبود یا فقدان تعداد زیادی از تأسیسات و تجهیزات شهری در آن ها از طرف

دیگر و با توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ساکنین آن ها، سرانه های مسکونی و شهری در آن برای میان مدت می بایست حداقل به میزان سایر محلات بر خوردارتر شهر و در درازمدت به میزان متوسط کل کشور متعادل گردد.

۲۵- حمایت دولت در بازگشت زاغه نشینان شهرستانی و روستایی در بازگشت به موطن اصلی خویش.

۲۶- اتخاذ سیاست های ارتقای توانایی های مالی و اقتصادی حاشیه نشینان.

۲۷- تشکیل ستاد رسیدگی به مسائل تازه واردین به شهرها یا همان حاشیه نشینان .

۲۸- گسترش طرح آماده سازی زمین و واگذاری آن به اقشار کم درآمد و ساکنین اینگونه محلات.

منابع

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۰)، مهاجرت های روستایی و علل و پیامدهای آن، نمونه: استان سیستان و بلوچستان، نشریه تحقیقات جغرافیایی.
- ۲- ابراهیم زاده، عیسی و فرامرز بریمانی و یوسف نصیری (۱۳۸۳)، حاشیه نشینی؛ ناهنجاری های شهری و راهکارهای تعدیل آن موردشناسی؛ کریم آباد زاهدان، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
- ۳- احدنژادروشنی، محسن؛ عبدالله خداوندی و هاله سهرابی (۱۳۹۲)، بررسی اشتغال مناطق حاشیه نشینی (مطالعه موردی: شهر زنجان)، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- ۴- احدنژاد، محسن؛ ولی پاتو؛ افشین نادری و ابراهیم صادقی (۱۳۹۲)، تأثیرات حاشیه نشینی در ناامنی شهرها مطالعه موردی: شهر کرج، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان، شرکت سازه کویر.
- ۵- احمدی، زهرا؛ شمسی شیرانی؛ هانیه السادات اسلامی و اسماعیل حسین زهی (۱۳۹۲)، ارزیابی اثرات اجتماعی و اقتصادی حاشیه نشینی بر تخریب محیط زیست شهری با استفاده از روش AHP، (نمونه موردی محله شیرآباد زاهدان)، اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست، مشهد، شهرداری مشهد.
- ۶- اسماعیلی، رضا، امیدی، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی تجربه حاشیه نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان: یک مطالعه پدیدار شناسانه، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره سوم، تابستان.
- ۷- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۱)، - حاشیه نشینان حرم (نگاهی به مسأله ی اسکان غیررسمی در مشهد)، فصلنامه مدیریت شهری . انتشارات سازمان شهرداری های کشور، شماره ی دهم.
- ۸- بیگدلی، داود (۱۳۸۳) ساماندهی اسکان غیر رسمی نمونه مورد مطالعه کوی فاطمیه شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، دانشگاه زنجان.
- ۹- پرسا رولان، آنالیز جمعیت شناسی، خسرو اسدی، سمت، تهران : ۱۳۷۴ .
- ۱۰- پناهی، علی؛ میروحید فرج زاده و مصطفی نظری (۱۳۹۲)، بررسی عوامل ساختاری و نهادی موثر در پیدایش حاشیه نشینی (مورد نمونه: شهر تبریز)، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- ۱۱- پوراحمد، احمد؛ اکبر حمیدی و امیر شریفی (۱۳۹۲)، حاشیه نشینی به عنوان چالشی در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: محله تپه مالان شهر سقز)، نخستین همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار ، سندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سندج.
- ۱۲- پیران، پرویز (۱۳۶۶) شهرنشینی شتابان و ناهمگون ، آلونک نشینی در شهران ، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، شماره های ۱، ۳، ۴، ۵، ۷.
- ۱۳- توسلی، غلامعباس و سکینه نورمرادی (۱۳۹۱)، بررسی جامعه شناختی علل گستره آسیب های اجتماعی دربین حاشیه نشین های شهر تهران مورد مطالعه منطقه چهار (خاک سفید)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم/شماره سوم/تابستان.
- ۱۴- جفایی، مینا (۱۳۹۲) ، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر بجنورد و پیامدهای آن، اولین همایش ملی شهرسازی و معماری در گذر زمان، قزوین، دانشگاه بین المللی امام خمینی.

- ۱۵- ربانی، رسول؛ جواد افشارکهن (۱۳۸۱)، حاشیه نشینی و مشارکت اجتماعی شهری، مجله فرهنگ اصفهان، شماره بیست و سوم.
- ۱۶- ربانی، رسول و حمیدرضا وارثی و زهرا طاهری (۱۳۸۸)، تحلیلی بر علل شکل گیری مناطق حاشیه نشین در شهر اصفهان نمونه موردی؛ منطقه ارزنان و دارک، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، بهار.
- ۱۷- ربانی، رسول و فروغ السادات عریضی و حمیدرضا وارثی و محمد رضا حسینی (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری مساله ی حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز، مجله جغرافیا و توسعه، بهار و تابستان.
- ۱۸- رهنما، محمد رحیم، توانگر، معصومه (۳۸۷۱)، بررسی تطبیقی در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه و گناباد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۱، پاییز و بهار.
- ۱۹- زنگی آبادی، علی، مبارکی، امید (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن مطالعه موردی (محلات احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل آباد)، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۳۳، شماره ۱، بهار.
- ۲۰- شریفی نیا، زهرا (۱۳۹۱)، حاشیه نشینی و مسائل اجتماعی و فرهنگی آن در شهرها مطالعه موردی: محله غلام تپه شهرستان آزادشهر، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۱- لطفی، حیدر و مینو میرزایی و فرداد عدالتخواه و شب بو وزیرپور (۱۳۸۳)، بحران حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت های جهانی، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، بهار.
- ۲۲- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، به سوی نظریه ای برای سازماندهی اسکان غیررسمی، فصلنامه ی هفت شهر، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری. شماره هشتم.
- ۲۳- طالشی، مصطفی، امیر فخریان، مصطفی (۱۳۹۰)، ناپایداری سکونتگاه های روستایی و آینده حاشیه نشینی در خراسان رضوی، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا، سال نهم، شماره ۲۹، انتشارات انجمن جغرافیای ایران، تابستان.
- ۲۴- لطفی، حیدر و مینو میرزایی و فرداد عدالتخواه و شب بو وزیر (۱۳۸۹)، بحران حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی در مدیریت کلان شهرها و رهیافت های جهانی، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال دوم، شماره دوم، بهار.
- ۲۵- عباس زاده، غلامرضا، شم آبادی، احمد (۱۳۸۹)، بررسی علل و عوامل مهاجرت و پیامدهای ناشی از آن با تاکید برحاشیه نشینی، اولین همایش ملی مهاجرت - نظم و امنیت، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی.
- ۲۶- قادرزاده، هیرش؛ حسین حسن پناه و نژادجهانی (۱۳۹۲)، بررسی عوامل موثر در رشد حاشیه نشینی مطالعه موردی شهربانه، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۷- قرخلو، مهدی و مهدی علی و معصومه مهدیان (۱۳۹۱)، بررسی شاخص های اجتماعی - اقتصادی و تاثیر آن بر کیفیت مسکن محلات حاشیه نشین (مطالعه موردی: محله حاشیه نشین شیخ آباد شهر قم)، مجله چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال هفتم، شماره ۱۸، بهار.

۲۸- کیانی، اکبر؛ غلامعلی خمر و احمد رئیسی (۱۳۹۲)، حاشیه نشینی و چالش های فرهنگی آن در شهرهای بزرگ باتاکید بر شهرهای ایران، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج، مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری کرج، دفتر معماری دید.

۲۹- محمودی پاتی، فرزین و محمد پور عمران، محمد (۱۳۸۷) سیاست های مدیریت زمین شهری، انتشارات شیدی، چاپ اول.

۳۰- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر (۱۳۸۱)، تخلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

۳۱- نقدی، اسدالله (۸۶)، حاشیه نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره بیست.

۳۲- هادیزاده بزاز، مریم (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، چاپ اول، انتشارات شهرداری مشهد با همکاری انتشارات تیهو.

33- Park, Robert E, 1937, Human migration and marginal man, American Journal of sociology. Vol33.

34- Rabbani, Rasool and et al, (2009), Analysis of basic reasons Creation of Slums in Isfahan City (arzanan and darak). Journal of geography and development, vol13, University of Sistan & Baluchestan..



تصویر ۱ - منطقه حاشیه نشین



تصویر ۲ - منطقه حاشیه نشین



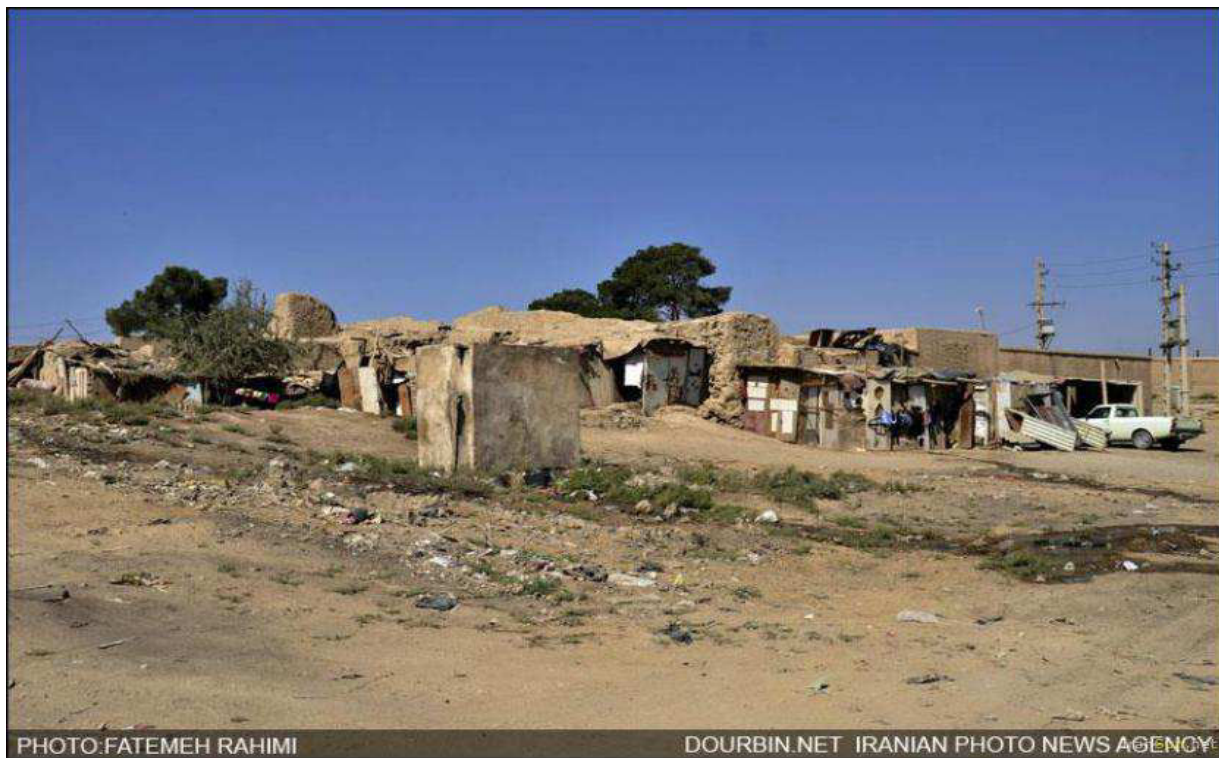
PHOTO:FATEMEH RAHIMI

DOURBIN.NET IRANIAN PHOTO NEWS AGENCY

تصویر ۳ - منطقه حاشیه نشین



تصویر ۴ - منطقه حاشیه نشین



تصویر ۵ - منطقه حاشیه نشین